

دوشنبه ۶/۱۱/۱۴۰۴ - ۶ شعبان ۱۴۴۷ - ۲۶ ژانویه ۲۰۲۶ - فقه معاصر - فقه الاداره - فقه انگیزش (فقه مدیریت رفتار سازمانی) - فقه ارتباطات سازمانی - نقشه راه مصباح الشریعه - روابط اربعه - درس ۸۱ - رابطه مدیر با خلق - اصول سبعة - اصل دوم - عفو (۵) - شرائط و موانع عفو سازمانی

❖ مسئله‌ی ۸۱: صحت و اثربخشی عفو متوقف بر شرائطی است مانند این که بدون منت و اذیت باشد، مورد سوء استفاده‌ی خاطی نشود، از سر اخلاص باشد، با خوشرویی و قول سدید و نیکو باشد و...؛ و الا ولو بدون مجازات مسکوت گذاشته شود بهتر است

شرطیت و مانعیت در عفو، دو حکم وضعی هستند که منشأ حکم تکلیفی برای مدیران و کارکنان می‌شوند. اول شرائط^۱ عفو کردن را مورد تفقه قرار می‌دهیم. عفو بی‌قید و شرط نیست.

- ۱- در قدرت باشد، نه ضعف، لقول الصادق علیه السلام فی حقیقته العفو: «العفو عند القدرة»؛^۲
- ۲- هنگام پیروزی باشد، نه شکست، لقوله علیه السلام: «زکاة الظفر العفو»؛
- ۳- حین غلبه بر یک بحران باشد و بحران‌آفرین عفو شود؛
- ۴- خاطی در صورت عفو اصلاح شود، لعموم قوله تعالی: «واصلحوا»؛^۳
- ۵- در دیگر کارکنان احساس مدهانه‌ی مدیر نشود؛ زیرا مدهانه از رذائل قوه‌ی غضبیه و از جنود جهل است؛ لقوله تعالی خطاباً للنبی صلی الله علیه و آله و هو الامیر: «لا تکنون من الجاهلین»؛^۴
- ۶- مورد عفو از جرائم قابل گذشت باشد، کما مر؛

^۱ نخست، آزادی مشروط را در نظر بگیرید که در ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و دادگاه می‌تواند پس از تحمل یک سوم یا نصف مدت حبس، در صورت احراز حسن اخلاق و اطمینان از عدم تکرار جرم، حکم به آزادی محکوم صادر کند.

^۲ از مصباح الشریعة.

^۳ الأالذین تانوا وأصلحوا ویتنوا فاولئک ائوب علیهم وانا التواب الرحیم. (البقرة: ۱۶۰)

الأالذین تانوا من بعد ذلك وأصلحوا فإن الله عفور رحیم. (آل عمران: ۸۹)

الأالذین تانوا وأصلحوا واعتصموا بالله وأخلصوا دینهم لله فاولئک مع المؤمنین وسوف یؤت الله المؤمنین أجراً عظیماً. (النساء: ۱۴۶)

ثم ان ربک للذین عملوا الشوء بجهالة ثم تانوا من بعد ذلك وأصلحوا ان ربک من بعد العفور رحیم. (النحل: ۱۱۹)

الأالذین تانوا من بعد ذلك وأصلحوا فإن الله عفور رحیم. (النور: ۵)

^۴ وإن کان کبر علیک إغراضهم فإن استطعت أن تتبغی نفاقاً فی الأرض أو سلماً فی السماء فتأتیهم بآیة ولو شاء الله لجمعهم علی الهدی فلا یتکونن من الجاهلین. (الألنعام: ۳۵) معاون قضایی قوه‌ی قضائیه این معیار را چنین توضیح داده است: عدم ارتکاب جرم عمدی جدید مستوجب مجازات درجه‌ی یک تا پنج، شرط لازم برای بهره‌مندی از عفو است.

- ۷- مورد عفو شاکی خصوصی نداشته باشد؛^۵
- ۸- عفو موجب فساد در سازمان نشود، لعموم قوله تعالی: «وَاللَّهِ لَيَحِبُّ الْفُسَادَ»؛
- ۹- مصلحت عفو از مصلحت مجازات بیش تر باشد، لعموم «وَاللَّهِ لَيَعْلَمُ الْمُسْذِمِينَ مِنَ الْمَصْلَحِ»؛^۶
- ۱۰- مفسده‌ی عفو از مفسده‌ی مجازات کمتر باشد، لعموم «ضَرَّهُ اقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ»^۷ و «اِثْمُهُمَا اكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»^۸ و «الْفِتْنَةُ اكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»^۹؛
- ۱۱- عفو از سر اخلاص بوده و نمایشی نباشد، یعنی قلبی باشد؛

^۵ شرایط اختصاصی انواع عفو: ماهیت عفو—چه عمومی، چه قضایی (معیاری) و چه خاص (موردی)—مجموعه‌ای متفاوت از شروط را پدید می‌آورد و وکیل ناگزیر است پیش از تدوین دادخواست، نوع عفو و ضوابط ویژه‌اش را به‌درستی تشخیص دهد. عفو عمومی با تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی، یک‌شبه دامنه‌ی وسیعی از تعقیب‌ها یا محکومیت‌ها را از میان برمی‌دارد. ماده‌ی ۹۷ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند: عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود. شرط نخست بهره‌مندی، انطباق دقیق جرم با جرایم مندرج در قانون عفو است؛ چنان‌که در لایحه‌ی عفو عمومی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸، تنها کسانی مشمول شدند که تا تاریخ مزبور مرتکب جرائم سیاسی خاص شده بودند. دومین شرط، فقدان شاکی خصوصی یا دست‌کم کسب رضایت اوست؛ زیرا قانونگذار با وجود سیاست جنایی گذشت‌محور، حق الناس را استثنا نکرده است. سرانجام، زمان ارتکاب جرم سهم کلیدی دارد: حتی یک روز تأخیر در تاریخ ارتکاب، پیوند میان متهم و عفو عمومی را می‌بُرد. در طرح ناکام سال ۱۳۹۷، اختلاف نظر نمایندگان بر سر تعیین دقیق خط زمانی همان عاملی بود که فوریت طرح را از دستور خارج ساخت. آنچه در عرف قضایی عفو قضایی یا معیاری نام گرفته، همان دسته عفوهای فراگیری است که رئیس قوه‌ی قضائیه با تعیین شاخص‌های کلی—مثلاً گذران حداقل یک‌پنجم محکومیت، داشتن دو گزارش متوالی حسن اخلاق یا نداشتن بیش از دو فقره‌ی سابقه‌ی موثر—به محضر رهبری پیشنهاد می‌کند و پس از امضا، برای همه‌ی محاکم و زندان‌ها لازم الاجرا می‌شود. مهم‌ترین شرط در این‌جا، تطبیق محکوم با معیارهای اعلامی است. چنان‌که در عفو رجبیه ۱۴۰۳، علاوه بر شروط عمومی، اخذ رضایت کامل شاکی خصوصی و جبران خسارت مالی تا آخر سال ۱۴۰۱ نیز در متن دستور آمده بود. پرونده‌ها در این نوع عفو به‌صورت تکی بررسی نمی‌شوند؛ بلکه سامانه الکترونیکی زندان‌ها با دریافت معیارها، فهرست ابتدایی را استخراج می‌کند و پس از کنترل دستی کمیسیون استانی، به مرکز ارسال می‌شود. بدین ترتیب، دانستن دقیق معیارها پیش از ثبت درخواست، از بروز خطای سیستمی جلوگیری می‌کند و شانس پذیرش را به شکل چشمگیری می‌افزاید. عفو خاص—که در ادبیات پیشین با عنوان عفو خصوصی نیز شناخته می‌شد—کاملاً بر وضعیت فردی محکوم متمرکز است و وکیل باید به تفصیل کیفیت تحول شخصیت، بیماری صعب‌العلاج، مسئولیت خانوادگی یا تلاش‌های فرهنگی و علمی وی در زندان را مستند کند. نمونه‌ی کلاسیک، بخشودگی بانویی بود که به دلیل قتل غیرعمد همسر معتاد خویش محکوم شده و در زندان مسئول کارگاه خیاطی شده بود؛ گزارش اشتغال به کار و تأمین معاش فرزندان، عنصر کلیدی اقتناع کمیسیون گردید. در این قالب، قانون فقط دو شرط حتمی وضع کرده است: نخست، صدور حکم قطعی؛ و دوم، حصر عفو به جرایم تعزیری یا جرایم حدی‌ای که طبق فقه امامیه قابلیت عفو دارند. ماده‌ی ۹۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد. بنابراین اگر محکوم دیه یا ضرر خصوصی را نپرداخته باشد، همچنان باید در کنار دادخواست عفو، اسناد پرداخت یا رضایت‌نامه شاکی را پیوست کند؛ وگرنه کمیسیون به استناد همین ماده پرونده را ناقص اعلام خواهد کرد. عفو، از حیث اثر، مجازات را می‌بخشد یا تخفیف می‌دهد اما وصف جرم را دست‌نخورده باقی می‌گذارد؛ یعنی محکوم‌علیه همچنان مرتکب جرم شناخته می‌شود؛ هرچند اجرای کیفر یا بخشی از آن ساقط می‌گردد. ماده‌ی ۹۷ قانون مجازات اسلامی که عفو عمومی را تعریف می‌کند، بُعد دیگری از این ابزار را روشن می‌سازد: عفو عمومی که به موجب قانون در جرایم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند و در صورت صدور حکم، اجرای مجازات و آثار محکومیت را نیز زایل می‌سازد. بنابراین عفو عمومی، بر خلاف عفو اختصاصی، به ماهیت تعقیب و حتی سابقه‌ی کیفری نیز پایان می‌دهد. من به عنوان وکیل، در عمل مشاهده کرده‌ام که بسیاری از خانواده‌ها تفاوت این دو گونه عفو را در نظر نمی‌گیرند و همین ناآگاهی، سبب از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود.

^۶ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَاطَبُوا فَاخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَتْكُمُ إِنَّا اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (البقرة: ۲۲۰)

^۷ الحج: ۱۳

^۸ البقرة: ۲۱۹

^۹ البقرة: ۲۱۷

- ۱۲- عفو با منت و اذیت همراه نباشد، لفظه تعالی: «لَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»^{۱۰} علی کون العفو مصداقا للصدقة که مختار ما همین است لفظه ﷺ: کل معروف صدقة؛^{۱۱}
- ۱۳- عفو مخفی و بی سروصدا باشد؛ هرچند عفو آشکار هم دارای منافی برای سازمان است، لفظه تعالی: «ان تبدوا الصدقات فنعماهی وان تحوها»،^{۱۲} علی «ان کل معروف صدقة»؛
- ۱۴- با خوشرویی و قول حسن باشد، لعموم قوله تعالی: «قولوا للناس حسنا»^{۱۳}؛
- ۱۵- با اراده‌ی جدی باشد و عبارات سدید باشد، لعموم قوله تعالی: «قولوا قولا سديدا»؛^{۱۴}
- ۱۶- مطابق موازین اسلامی باشد.^{۱۵}

تفقه: این‌ها همه شرط هستند که بعضی آن‌ها فی الجمله لازم‌التحویل هستند و در سازمان این لزوم فراگیرتر است که در فقد این شرایط عفو ممکن است صحیح انجام نشود، زیرا بعضی شرایط صحت و بعضی شرط قول و بعضی شرط کمال عفو هستند. مخصوصاً در صورت فقدان شرط صحت اثربخش نخواهد بود، یعنی اثر متوقع مترتب نخواهد شد و بهتر است ترک شود، ولو مجازاتی هم صورت نگیرد، مسکوت گذاشته شود.

فتحصل که صحت و اثربخشی عفو متوقف بر شرایطی است مانند این که بدون منت و اذیت باشد و مورد سوء استفاده‌ی خاطی نشود، از سر اخلاص باشد، با خوش‌رویی و قول سدید و نیکو باشد و... و الا ولو بدون مجازات مسکوت گذاشته شود بهتر است.^{۱۶}

البقرة: ۲۶۴

۱۱ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي الْبَلَادِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَّائِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ، وَ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ، وَ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ. (كوفي اهوازی، زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ص. ۷۸) أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرٍ غَنِيٍّ وَ أَيْدِئُ بَيْنَ تَعُولٍ وَ أَيْدِئُ الْغُلِيَّا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَ لَا يَلُومُ اللَّهُ عَلَى الْكَفَافِ. (كليني، الكافي (ط الإسلامية)، ج. ۴، ص. ۲۶) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ الدَّالُّ عَلَى الْحَبْرِ كِفَاعِلُهُ وَ اللَّهُ صلى الله عليه وآله يُحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ. (همان، ص. ۲۷)

البقرة: ۲۷۱

البقرة: ۸۳

۱۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا. (الأحزاب: ۷۰) قول سدید از ماده‌ی سد به معنی محکم و استوار و خلل‌ناپذیر و موافق حق و واقع است، سخنی است که هم چون يك سد محکم جلوی امواج فساد و باطل را می‌گیرد، و اگر بعضی از مفسران آن را به معنی صواب و بعضی به معنی خالص بودن از کذب و لغو یا هماهنگ بودن ظاهر و باطن و یا صلاح و رشاد و مانند آن تفسیر کرده‌اند همه به معنی جامع فوق برمی‌گردد. آیه‌ی بعد نتیجه‌ی قول سدید و سخن حق را چنین بیان می‌فرماید: خداوند به خاطر تقوا و گفتار حق اعمال شما را اصلاح می‌کند و گناهان شما را می‌بخشد. (يُصَلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ). (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج. ۱۷، ص. ۴۴۷)

^{۱۵} به صراحت بند ۱۱ اصل یک‌صد و دهم قانون اساسی: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه جزء اختیارات مقام رهبری است. از منظر فقه اسلامی، رأفت نسبت به گناه‌کاری که توبه کرده یا احکام اخلاقی را رعایت می‌کند، از اصول مسلم شمرده می‌شود.

^{۱۶} درس ۸۱ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۶ شهر شعبان المعظم ۱۴۴۷.